

همیشه برای



معرم راز دل شیدای خود
کس نمی‌بینم ز خاص و عام را

حافظ

مهمشهری: www.hamshahrionline.ir

سایت‌روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال فرینی، شماره ۱۴

کدپستی: ۴۵۹۵۴-۱۹۶۶۶ تهران، صندوق پستی-۱۹۳۱۵۵۴۴۶

تلفن: ۰۲۱-۲۳۰۳۳۰۰۰، شماره فاکس: ۰۲۱-۲۳۰۴۰۶۷

چاپ: همشهری

توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروزیون

تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

بازیرش آگهی:

تلفن: ۰۲۱-۸۴۳۲۱۰۰۰

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری

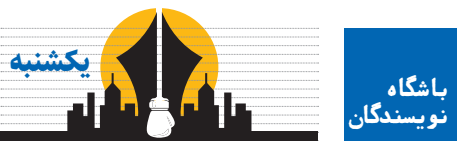
مدیرمسئول: عبدالعلی گنجی

سرمدیر: دانیال معمار

حضرت امیر المؤمنین علی؛

آن که زبان را بر خود حاکم کند خود را بی ارزش کرده است.

آدان تله‌ویژن: ۱۳۰۳ - قسروب آفتاب: ۱۹:۳۸
آدان مهرب: ۱۹:۴۶ - نیمه شب شسری: ۰۰:۲۰
آدان صبح: ۵:۱۳ - طلوع آفتاب: ۶:۳۹



سلمان فارسی در جست‌وجوی حقیقت



احسان ناظم بکایی
روزنامه‌نگار

یار ایرانی پیامبر اسلام جایگاهی رفیع میان اصحاب داشت و از یاران نزدیک ام‌ام‌علی(ع) محسوب می‌شد، روحیه حقیقت‌جویی‌اش، او را که روزبه و فرزند یکی از بزرگان جی اصفهان بود، شهر به شهر و دین به دین چرخاند تا با عبور از زرتشتیت، مسیحیت، یهودیت و مذاهب مانوی و مزدکی به ساحل آرامش اسلام برسد. مردی که در عمر طولانی خود هزاران کیلومتر را میان جی، دمشق، موصل، نصیبین و عموره به گذراند تا سرانجام در مدینه، پیامبر آخرالزمان را بباید. زندگانی سلمان فارسی با فراز و نشیب‌هایش، چنان جذاب است که داوود هسته‌بندی، نویسنده و کارگردان کارکشته کشورمان را مجذوب خود کرده است. سریال سلمان فارسی، بزرگ‌ترین اثر نمایشی تاریخ سینما و تلویزیون ایران است که به سفارش سیما فیلم و توسط شرکت زال فیلم به نویسندگی و کارگردانی داوود میرباقری و تهیه‌کنندگی حسین طاهری در حال ساخت خود کاروان بزرگی از کاربلدترین افراد حوزه نمایش در این گروه جمع شده‌اند تا سریالی خاص بسازند؛ سریالی بین‌الادبیاتی که نقشی درخشان در استراتژی فرهنگی ما خواهد داشت و جایگاه ایرانیان در اسلام و فرایند حقیقت‌طلبی جهانی را بیش از پیش آشکار می‌کند. سریال سلمان فارسی، تراز فرهنگی-هنری ماست. سریالی که با وجود همه مشکلات به مسیر ساخت خود ادامه می‌دهد، در پشت دوربین، تأکید نم‌سازنده بر استفاده از ظرفیت‌های ایرانی است. چنانچه ده‌ها گروه تولیدی با ترکیبی از تجربه افراد کارکشته و جوانانی مستعد با نگاه دانش‌بنیان دور هم جمع شده‌اند تا در ساخت اثر اثر مهم، سهیم باشند. تکبید و اعتماد تیم سازنده به ظرفیت‌های بومی از ویژگی‌های این سریال است که پشت صحنه آن به یک دانشگاه تمام‌عیار می‌ماند که در آن احترام متقابل، تعهد و تخصص حرف اول را می‌زند. در برابر دوربین شاهد رنگین‌کمانی از بازیگران جهانی هستیم تا سلمان فارسی، سریالی بین‌المللی باشد. بازیگران ایرانی و حدود ۱۵۰۰ بازیگر تئاتری و بومی هم جلوی دوربین رفته‌اند. همین‌طور در طول پروژه و قسمت پیش تولید حدود ۲۰ هزار نفر عوامل تئاتری ثبت نام کرده‌اند که با ۶ هزار نفر از آنها گفت‌وگو انجام شده است. همگی آنها به مرور برای حضور در جلوی دوربین فراخوانده می‌شوند. حدود ۲۰۰ بازیگر از کشورهای ارمنستان، یونان، مراکش و تونس در سریال ایفای نقش می‌کنند که هشتم رستم تونسلی یکی از آنها بود. نکته حائز اهمیت اینکه تمام بازیگران خارجی هنگام حضور در ایران و پس از بازی در سریال سلمان فارسی به سفیران فرهنگ کشورمان در زادگاه‌شان بدل می‌شوند. در مسیر ساخت این سریال فاخر، منتقله به منطقه از ظرفیت‌های بومی کشور بهره گرفته شده است. عوامل و سازندگان سریال سلمان فارسی با بررسی مناطق مختلف داخلی و خارجی و با اولویت دادن مناطق داخلی، اقدام به شناسایی و امکان‌سنجی ساخت سریال در مناطق مختلف کرده و می‌کنند. تاکنون ساخت سریال سلمان فارسی در این مناطق انجام شده است؛ کویر شهداد کرمان، جلفا،

جزیره قشم، شاهرود و شهر کهای سینمایی نور، دفاع مقدس و غزالی. با همه مشکلات مختلف کرونا و گرانی و...سریال سلمان فارسی با برنامه‌ریزی دقیق مشغول ساخت است. عوامل کشور در شاهرود حضور دارند و مشغول تصویربرداری در سکناس‌های کلیسای دمشق هستند. سریال بعد از حدود هزار جلسه تصویربرداری، به اواخر فصل بیزانس که یکی از فصول سه‌گانه ایران ساسانی، بیزانس و حجاز صدراسلام است، رسیده و بیشتر از ۲۰۰ کادر صد کلیه سریال، تصویربرداری شده است. بنا به برنامه‌ریزی‌های انجام شده این سریال در سال ۱۴۰۵ آماده پخش می‌شود.

هول تنهایی؛ شیر چه در مصیبت

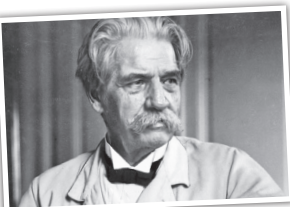


مسعود میر
روزنامه‌نگار

دوبانه‌ای؟ چرا فکر می‌کنی من کنی من از تنهایی خوشم می‌آید؟
و کسی چه می‌داند در پس پشت این دو تا سؤال از سر دلگیری که سعی می‌کنی بسیار گوینده و کرده و ماشه را آکیده تا اشک را بچکاند روی گونه‌ات.
سؤال‌ها را می‌پرسی و منتظر جواب نیستی چون می‌دانی به هر جمع تنهایی و این تنهایی‌اندگی قناری برای ابد و یک روز بعد از مرگ است. دوستی در صفحه شخصی‌اش از درد‌های شبانه باسفا اتاقش می‌نویسد و یکی هم مثل من شده هم‌کلام لیوان شوی هم می‌بینی همین دل‌تنگی و تنهایی در کوره هم‌نشینی در جمع بودن، پخته شده است. بلاروزگاری است...
این یک تجربه زیسته است که من از دیگران شنیدم و به کار نیستم و شما هم از من داشته باشید هرچند بعد است آن را به کار بینندید. از هول تنهایی شیر چه‌نزید وسط مصیبت دوستی و رفاقت بدون ضمانت و بیمه‌نامه و سند منگوله‌دار.
بله می‌دانم رفاقت نیاز به مدرک و کاغذ ندارد اما واقعا دنیای عجیبی شده است، همه شده‌اند نالوای و البته ویت‌ترین‌های پرزرق‌وبرق و دل‌فریب و رفاقت و مسمیمیت را همراه دارند. حیف...
از تنهایی خوشم نمی‌آید اما پرواض است که هجوم تنهایی قابل‌دفاع‌تر است تا خنجر رفاقت از پشت، تا شنیدن من همینم، مگر از اول نمی‌دانستی و ننیدی، تا تنفس در آت‌مسفر سوه‌فامم و بی‌حرمتی...
دوبانه‌ای؟

تقویم / سالمرگ

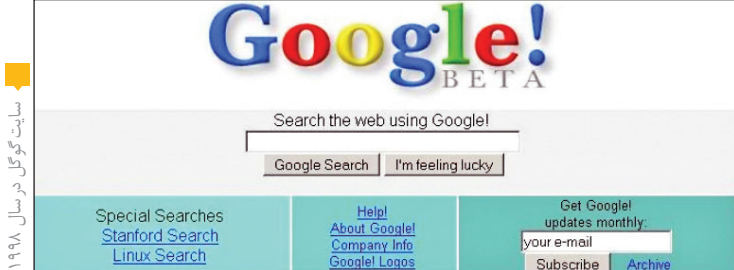
ویژه برای سیاهان



آلبرت شوابزیر می‌گوید: «فردی که به او مدیون هستیم، نباید برای شما فردی عادی میان افراد دیگر باقی بماند. باید شخص ویژه‌ای برای شما بشود؛ مانند چیزی مقدس.» و او برای خیلی‌ها مقدس است؛ به خصوص برای سیاه‌پوستان رها شده در رنج و بیماری.

شوابزیر در فراسه‌تولدش، شبیه‌نامه‌ها نبود. کارهای عجیبی از او سر نمی‌زد. کسی هم نگفته بود آنچه در خشایی دارد. پدرش روحانی بود و علاقه آلبرت به فلسفه و الهیات او را به تحصیل در این رشته در دانشگاه استرانبورگ کشاند. موسیقی را هم دوست داشت. کارهای باخ را برخی غول‌های آ‌تی دنیا طراحی می‌کنند، می‌تواند به سلاحی ویرانگر علیه بشریت تبدیل شود و قدرت و ثروت را، در دستان اندکی از انسان‌ها متمرکز کند. چه خوب چه بد، گوگل پدیده‌ای است که روش زندگی گونه‌انسان را تغییر داده است.

دنیایی که گوگل برای ما ساخت



جست‌وجوی دنیاست، گوگل، یک غول اقتصادی هم به شمار می‌رود و در بیش از ۲۰۰کشور دنیا نمایندگی هم هزاران کارمند دارد.
در مقابل این همه نفوذ در تمام زندگی ما، آدم‌های اندکی هستند که روزانه این سؤال را بپرسند که گوگل چه بلایسی می‌تواند - یا خدای‌نکرده می‌خواهد - سر ما بیارد؟ برخی کارشناسان هشدار داده‌اند که الگوریتم‌های پیشرفته‌ای که گوگل و برخی غول‌های آ‌تی دنیا طراحی می‌کنند، می‌تواند به سلاحی ویرانگر علیه بشریت تبدیل شود و قدرت و ثروت را، در دستان اندکی از انسان‌ها متمرکز کند. چه خوب چه بد، گوگل پدیده‌ای است که روش زندگی گونه‌انسان را تغییر داده است.



برای خیلی‌ها زندگی بدون گوگل، غیر قابل تصور است. اما روزگاری، نه خیلی‌دور، نه تنها از گوگل خبری نبود، که اصلاً از اینترنت خبری نبود هرچند جوان‌ترها شاید اصلاً درگی از آن ندانسته باشند. کسی قدیمی‌ترهایی که هنگام شروع اینترنت، جوان و کنجکاو و مهیج‌به مهاجرت در آن زمان رشک‌برانگیز کار کردن با کامپیوتر بودند، اینترنت را با یاهو شناختند. اما خیلی زود، یک اسم عجیب‌تر آمد و یاهو هر چه که بود را پس زد دنیای ما را، به این شکلی که ما می‌شناسیم ساخت؛ گوگل شروعی را نام داشت اما به ناگهان، همه جا بود. قصبه از آشنایی ۲ دانشجوی دانشگاه استنفورد شروع شد. لری پیج و سرگئی برین در سال ۱۹۹۵ با هم آشنا شدند، و در خوابگاهشان موتور جست‌وجویی به نام بک‌راب ساختند که از لینک‌ها استفاده می‌کرد تا اهمیت هر صفحه در دنیای وب را تعیین کند. این نخستین الگوریتم آنها بود. آنها خیلی زود نام گوگل - به معنای عدد یک و ۱۰۰ صفر جلوی آن - را برای موتور خود انتخاب کردند و از همانجا جست‌وجوی تمام‌نشندی

اول آخر

عطر برکت در شالیکوبی‌های کوچکصفهان ■ عسک: منا عادل



دغدغه

دانشگاه و روزهای پس از دانشگاه

مبین فارسی
نام‌آشای دانشگاه

که بیش از ۵۰ سال در دانشگاه صنعتی شریف تدریس کرده، می‌گفت چند هفته پیش یکی از زیرمجموعه‌های وزارت علوم از من و چند نفر دیگر از استادان قدیمی دعوت کرد در جلسه‌هم‌اندیشی شرکت کنیم. استاد می‌گفت سؤال وزارت علوم این بود که چرا کنکورهای علاقه‌ای به انتخاب رشته‌های علوم پایه و حتی مهندسی ندارند و چند سالی است که حدود ۵۰ درصد واجدان شرایط، اصلاً انتخاب رشته نمی‌کنند؟ آن هم در حالی که در سال‌های اخیر، ظرفیت دانشگاه‌های کشور افزایش یافته و اکنون کمتر کسی است که نتواند وارد دانشگاه این موضوعی نیست که از طرف دانشگاه برای آن بتوان کاری انجام داد. واقعیت این است که تا صنعت تکناسی نخورد و فارغ‌التحصیلان دانشگاه را جذب نکند، نمی‌توان انتظار داشت نسل در نسل، جوانان در رشته‌های مهندسی تحصیل کنند و بعد بیسکار نمازند. او می‌گفت وضعیت به اینجا رسیده که غیر از چند دانشگاه بزرگ و شناخته شده، کاهی قبول‌شدگان در برخی رشته‌ها، نمره کنکورشان در درس تخصصی یک رشته، صفر است؛ مثلاً کسی که رشته مهندسی قبول شده، نمره ریاضی‌اش در کنکور، صفر بوده است. من اینجانی خواهم درباره کنکور و موضوعات مرتبط با آن سخن بگویم که داستانی جداگانه است. مسئله، به انتخاب رشته و حضور در دانشگاه برمی‌گردد. واقعیت این است که ایران یک کشور صنعتی - به معنای رایج آن در جهان - نیست. کشاورزی که هنوز به شکل سنتی می‌چرخد و صنایع با فناوری‌های چند دهه‌سال پیش، به‌صورت مناسب تربیت شود.

رشد چندانی نداشته‌اند؛ اما در مقابل، دانشگاه‌های ما در سال‌های گذشته هر سال بدون توجه به وضعیت صنعت، صدها و هزاران مهندس در رشته‌های مختلف، تربیت کرده‌اند. این مهندسان پس از فارغ‌التحصیل شدن نتوانسته‌اند کار مناسب خود را پیدا کنند و در نتیجه امروز یا بیکار هستند یا در مشاغل غیر مرتبط فعالیت می‌کنند. بدین ترتیب انگیزه نسل‌های بعدی برای تحصیل در این رشته‌ها کم می‌شود. از سوی دیگر غیر از چند دانشگاه بزرگ و شناخته شده کشور، مدرکی که دانشگاه‌های مختلف صادر می‌کنند، چندان از سوی بازار کار ارزشمند شناخته نمی‌شود. طبیعتاً قبول‌شدن در دانشگاه‌های خاص هم الزامات مختلفی دارد که از حوصله این یادداشت خارج است. برای همین است که بسیاری از شرکت‌کنندگان در کنکور، وقتی می‌بینند امکان قبولی در آن دانشگاه‌ها ندارند، کلاً انتخاب رشته نمی‌کنند. موضوع دیگری که باید به آن توجه داشت، ارزش و اهمیت مشاغل است. مناسبانه در رشته‌های کاری مختلف، اغلب خانواده‌ها و مشاوران تحصیلی، برای جوانان مشاغلی را در نظر می‌گیرند که از نظر آنها در حد اعلای آن رشته است؛ مثلاً در رشته علوم تجربی، همه می‌خواهند پزشک متخصص، داروساز یا دندان‌پزشک شوند. این در حالی است که کشور به مشاغل متعددی در این رشته نیاز دارد و افراد می‌توانند با تحصیل در آن رشته‌ها، آینده مناسبی برای خود بسازند. کنکور امسال به پایان رسیده و تکلیف قبول‌شدگان امسال دانشگاه‌ها به زودی مشخص می‌شود؛ اما برای سال آینده و سال‌های بعدی می‌توان از همین امروز برنامه‌ریزی کرد تا این نیروی عظیم، برای آینده کشور به‌صورت مناسب تربیت شود.

زندگی پدیا

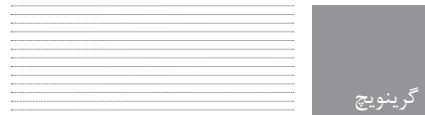
دستیار آموزشی مامان

فروشته شیخ الاسلام

- توشاهزاده منی، پرنسس منی!
- خوشگل‌ترین دختر دنیا رو داریم!
- بسرم تاج سرم، لپ‌هاشو بخورم!
- آقای مهندس خودمی! خانم دکتر بیاشه!

محبت کلامی یکی از ابزارهای مهم عاطفی و تربیتی در دست اولیا و یک منبع دلیله است. بیابید مثال‌ها را بررسی و آسیب‌شناسی کنید.

پرنسس من: لقب‌هایی شبیه این، نسبت دادن چیزی غیر واقعی به کودک است که برخلاف ظاهر لطیف و مثبت، دست کم آثار منفی افراذ؛ یکی القای باور نادرست مبنی بر اینکه من شاهزاده هستم، پس خیلی مهم هستم، مرکز عالمم که این می‌تواند نقطه آغاز رفتارهای خودخواهانه باشد. دوم اینکه همین القا مکنن کن، موجب‌شود کودک به‌دلیل باور به پرنسس بودن و برای شنیدن دوباره این کلمه و تأیید به‌توجه گرفتن، رفتارهای بزرگسالانه و پرنسس‌مانه نشان دهد که مناسبانه معمولاً اولیا در دام ذوق‌شمان می‌افتند و من یک چیز دیگر است و این اشتباه مدام خودشان هم باورشان می‌شود که نه‌ایچه به‌نظر شما کدام توصیف درست است؟ از تکرار می‌شود. در مثال خوشگل‌ترین، باهوش‌ترین، آفاترین، خانم‌ترین و... همان اشکال مثال پرنسس وارد است. در مثال سووم، صفت تاج‌سرسر معنای انتزاعی دارد که کودک درک نمی‌کند و در زمینه فرهنگی امروز، جا نمی‌افتد. در مثال هاشواو یا دست‌هاشو بخورم، محبتی که فکر می‌کنیم ابراز کرده‌ایم، در واقع پیچیده شده در حجم زیادی از خوسنت است. بچلومش! لپش کن! یا فرغ از بار جنسی که البته کودک از آن بی‌خبر است، به‌دلیل تصویر نازیبایی که این افعال در ذهن کودک ایجاد می‌شود، انتخاب مناسبی نیست. ذهن کودک کلاً کاملاً تصویری و منطقی است و کلمه‌ها را همانطور که می‌شنود، تصور می‌کند و هنوز تشخیص نمی‌دهد که مثلاً چلانن، استعاره از محبت زیاد است. در مثال آخر، و بدون هزینه و مفید استفاده کنیم.



جاساز کوکائین در ویلچر



ماموران در یک فرودگاه در ایتالیا، در کشفی غیر منظره، مقدار قابل توجهی کوکائین را در ویلچر یک مسافر پیدا کردند. این مسافر که در فرودگاه مالانزا در میلان می‌خواست از گیت رد شود، مورد ظن مأموران قرار گرفت. آنها هم که در بازرسی‌های اولیه چیزی از او پیدا نکرده بودند، سگ‌های مواد یاب را به سمت او فرستادند. سگ‌ها خیلی زود با رفتار خود به مأموران اعلام کردند که وجود مواد را احساس کرده‌اند. مأموران هم ابتدا سراغ چمدان مسافر رفتند و چیزی پیدا نکردند. اما با اصرار سگ‌ها، به جان صندلی چرخ‌دار موتور مسافر افتادند و یک محموله بزرگ را از زیر آسترهای صندلی بیرون کشیدند. مسافر تظاهر می‌کرد که معلولیت دارد اما وقتی که محموله‌اش کشف شد، از روی صندلی بلند شد و مثل یک فرد سالم در کنار پلیس‌ها قدم می‌زد. این مسافر از جمهوری دومینیک، جایی که مقصد معروف قاچاق مواد مخدر، به‌خصوص کوکائین به اروپاست به میلان سفر کرده بود.

توزیع ۱/۱ میلیون بطری آب



وضعیت آب شرب در یکی از شهرهای بزرگ آمریکا، روزبه‌روز بدتر می‌شود و حالا کار به جایی رسیده که ارتش وارد میدان شده و آب آشامیدنی به مردم می‌دهد. ۲۰۰ هزار نفر در شهر جکسون، که مرکز ایالت می‌سی‌سی‌پی است، نزدیک به یک هفته است که نمی‌توانند آب لوله‌کشی شهر بنوشند و شهر وارد بحران شده است. مقامات شهری گفته‌اند که به سختی کار می‌کنند تا مشکل را برطرف کنند. مقامات برای کاهش مشکلات مردم، ۱٫۱ میلیون بطری آب آشامیدنی در جکسون توزیع کرده‌اند. این تعداد بطری آب، توسط نیروهای گارد ملی و ارتش محله به محله و خانه به خانه به‌دست مردم داده شده است. وضعیت آب آشامیدنی به‌خاطر پایین آمدن منابع آبی شهر چنان بد است که از آن برای نوشیدن و پخت‌وپز نمی‌توان استفاده کرد. مقامات در روزهای اول حران به مردم توصیه کرده بودند که هنگام دوش گرفتن، دهانشان را ببندند اما حالا حتی استحمام هم شدنی نیست.

آتن: ارزان‌ترین شهر اروپا



آخر هفته‌ها در اروپا، فرصت بسیار مناسبی برای هزاران مسافر است که تجربه کوتاه و لذت‌بخشی در یک شهر محبوب این قاره را داشته باشند. ارزان بودن مقصد، یکی از بزرگ‌ترین جذابیت‌های شهرها برای مسافران آخر هفته‌ای است و حالا آتن به همین خاطر می‌تواند مسافران بسیار زیادی جذب کند. در آخرین لیستی که در این باره منتشر شده، هزینه اقامت یک آخر هفته در آتن، ۲۳۸ دلار برآورد شده که پایین‌ترین در اروپاست. در واقع هزینه اقامت در این شهر، نسبت به ۲ سال پیش، ۱۵ درصد کاهش پیدا کرده است. در رده بعدی، لیسبون پایتخت پرتغال قرار دارد که هزینه اقامت در آن، ۲۵۰ دلار تخمین زده شده. برای تعیین این قیمت، هزینه‌هایی مثل اقامت آف‌در هتل، غذا، بازدید از جاذبه‌های گردشگری و حمل‌ونقل محاسبه می‌شود. این دو شهر در حالی در سرفهرست قرار گرفته‌اند که معمولاً بالای فهرست به شهرهای ارزان اروپای شرقی تعلق دارد. بعد از آتن و لیسبون، کراکوف در لهستان (۲۵۲ دلار)، ریگا در لتونی (۲۵۳ دلار)، و بوادپست در مجارستان (۲۵۴ دلار) قرار دارند.